

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



## از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

**دوم – اوضاع کشور در عصر سلطنت امیرحبيب الله خان:** طوریکه در بخش «مشروطیت اول» خواهید دید نهضت مشروطه خواهی عصر امیرحبيب الله خان در حقیقت امر ادامه مبارزات مردم علیه سلطه سیاسی انگلیس، اختناق و استبداد داخلی، فشارهای روز افزون دولت فیودالی و افزایش مالیات کمر شکن دوره امارت امیر عبدالرحمان خان بود. فلذا مشروطیت در افغانستان مانند سایر ملل آسیایی امری فرمایشی نبوده، بلکه ریشه های عمیق در جوامع قبلی علی الخصوص دوره عبدالرحمان خان داشت و عوامل محرکه آن هم همانا عقب ماندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود.

بعضی ریفورم های سطحی اجتماعی و فرهنگی که نظر به مقتضیات عصر در زمان سلطنت امیرحبيب الله خان رونما گردید در تغییر شکل مبارزات بی تاثیر نبوده و در نتیجه آن، مبارزات مردم به اشکال منسجم تر و به دور هسته های حزبی و حلقه های تشکیلاتی با برنامهای مشخص اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت گرفت.

انتقال قدرت از عبدالرحمان خان به پسر بزرگش حبيب الله خان در زمانی صورت میگیرد که جهان و منطقه آستان تحولات عظیم اقتصادی، سیاسی و نظامی بود، چنانچه جنگ اول جهانی (۱۹۱۴-۱۹۱۸)، ورود هیأت هشتم و چهار نفری ترکی-آلمانی (۱۹۱۵م) غرض اخذ اجازه حمله بالای هند بریتانوی از طریق سرحدات افغانستان، جنگ های روسیه تزاری و جاپان (۱۹۰۴-۱۹۰۵) و شکست بزرگترین امپراتوری اروپایی در برابر دولت کوچک آسیایی، انقلاب بورژوا دیموکراتیک روسیه (۱۹۰۷-۱۹۰۵)، جنبش های آزادی خواهی هند، نهضت های مشروطه طلبی ترکیه (۱۸۷۶) و ایران (۱۹۰۵) از جمله دگرگونی های بزرگ در سطح ملی و بین المللی بود.

امیر با وجود استبداد و مطلقیت که خصوصیت ذاتی او بود، بنا بر اقتضای عصر و فشار افکار عامه در خارج و داخل و تا حدودی با تحریک و تشویق روشن فکران اصلاح طلب با لایحه درباری ها و اشراف مجبور بود گامهای ولو خیلی اندک و ناچیز، در عرصه های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بردارد که از جمله در ساحت اصلاحات اجتماعی میتوان از رسیدگی به احوال محبوسین دوران عبدالرحمان خان، منع خرید و فروش برده و کنیز، اجازه بازگشت تبعیدیان و فراریان یا دآوری نمود.

امیرحبيب الله خان در جمله شاهان محمدزایی مردی نسبتاً باسواد بود، چنانچه از مهمترین کارهای فرهنگی او گذاشتن تهذیب معارف جدید در کشور است. تأسیس مکتب حبیبه (۱۹۰۳)، حریبه (۱۹۰۹) نشر سراج الاخبار افغانستان (۱۹۰۶)، سراج الاخبار افغانستان (۱۹۱۱)، سراج الاطفال، تشکیل انجمن سراج الاخبار (۱۹۰۵) از زمره اصلاحات فرهنگی عصر سراجیه به شمار میرود.

با آنکه در ساحه اقتصادى به حفر بعضى آنها ر ، اعمار بند برق ، ا حداث و ترميم راه ها وشوارع بين مراکز و ولايات اقداماتى به عمل آمد اما در عرصه انكشاف كشاورزى هيچ نوع اصلاحات به نفع دهاقين و روستايان در دست اجرا گذاشته نشد ، عوارض و ماليات گوناگون دهقانان و روستايان را تحت فشار مستدام دولت وقيودالها و خانها قرار ميداد . مرحوم غبار وضع دهاقين و ماليه دهندگان را در عهد سراجيه چنين ترسيم مى نمايد : « انواع خريدارى دولتى و شخصى و بيگار كمر مردم را خم کرده بود . ما مورين بزرگ دولتى غله و علوفه كار آمد خود را به قيمت معينه بسيار نازل در عوض معاش خود با لايه ماليه دهندگان دور دست حواله ميگرفتند و يا قيمت آنرا تحويل خزانه کرده در برابر آن حواله و برات حاصل ميکردند ، آنگاه توسط ملازمين مسلح اشياى حواله شدگى را از مردم تا خانه خود مى رساندند ويا پول قيمت آنرا چندين بار بيشتري ميگرفتند ... امير حبيب الله خان با چنين عقیده و ادعا حرم سراى مفصل و باشكوه ترتيب داد كه بيشتري از صد زن به عناوين حرم ، سراى ، خدمه و جوارى در آن مى زيستند مصارف اليبسه و زيور و ماكولات و معاشات و حمل و نقل اهالى حرم گزارف بود. امير حبيب الله خان به مرور زمان درزندگى داخلى فرورفت و ازرسيدگى به امور به كلى باز ماند .»

درآخريين كلام انحطاط اجتماعى ، اقتصادى و سياسى - ادامه سلطه سياسى برپيتان و سازش هاى امير با آن دولت استعمارى ، بى تقاوتى در برابر حصول استقلال کشور ، فساد ادارى و فشار ماليات سنگين و كمرشكن ، تعدى و ظلم حكام و كارفرمايان دولتى ، ارتشاء ، بيگارى هاى دوامدار در هر گوشه و كنار کشور و بالاخره فقر و بينوايى عمومى از جمله عوامل اساسى داخلى ظهور جنبش مشروطيت اول و دوم در افغانستان به شمار ميرود . بازگشت تبعيد شدگان و فراريان دوره امير عبدالرحمان كه به آنها مخالفت با امير و يا در اثر وحشت و بربريت حكام دولتى و جنگ هاى داخلى و يا هوارى از امير شيرعلى خان ، سردار محمد ايوب خان و سردار محمد اسحاق خان از وطن اخراج و در هند برپتانوى ، ايران ، تركيه و تركستان روسى به سر مى بردند ، عامل عمده داخلى بروز مشروطه طلبى در افغانستان حساب شده ميتواند .

اگرچه احصايه دقيق در دست نيست كه چه تعداد از اين تبعيديان و متواريان بعد از درگذشت عبدالرحمان خان به اجازت امير حبيب الله خان دوباره به کشور عودت نمودند ، اما همين اكنون حضور عده كثيرى از هزاره ها در كويت و خراسان ايران و حتى آسياى مركزى و يا اسكان تاجيك ها ، ازبك هاو تركمن هاى افغانى در آسياى مركزى مؤيد آن است كه عده زيادى از آنها براى داييم وطن را ترك گفتند . آنها به قوم ، منطقه و ولايت واحدى تعلق نداشتند بلكه از اقوام و مناطق مختلف افغانستان ، پشتون ها ، هزاره هاى افغانستان مركزى ، تاجيك و ازبك هاى صفحات شمال بودند كه جز مخالفت با سازش امير با سلطه سياسى انگليس و مبارزه عليه وحشت ، جنايت ، خودسرى و ظلم دولت ، حكام ، ما مورين ملكى و نظايش گناه ديگرى نداشتند .

افراد ، اشخاص و فاميل هاى سرشناس خاندانى مانند طرزي ، خاندان سردار يحيى خان ، لوى ناب ، زكريا وغيره كه وارد افغانستان شدند طبق دستور امير نه تنها به خاطر آنها مات گذشته كسى مزاحم شان نشد ، بلكه ملك و جايداد مصدوره شده يك تعداد آنان نيز اعاده شده و هم عده اى را در ماموريت هاى دولتى پذيرفت . (۳۷)

روى همرفته اكثريت عودت كنندگان آنها بى بودند كه در هند برپتانوى به سر برده و با علم و فرهنگ و تكنالوژى غربى قبلاً آشنا بى پيدا کرده بودند . فلهاذا در بازگشت به وطن افكار تازه و مترقى و مظاهر زندگى غربى را انتقال دادند كه در رشد و گسترش اصلاحات و تسريع پديده مشروطه خواهى در عصر سراجيه تاثير بسزايى داشت .

اگرچه تعداد تبعيد شدگان و متواريان عصر عبدالرحمان خان كه گاهى به صورت انفرادى و زمانى طور دسته جمعى هجرت نموده اند ، زياد است و تا هنوز تعداد عودت كننده ها و آنها نيكه دايما" ترك وطن كردند دقيقاً معلوم نيست و هيچ نويسنده و محقق داخلى و خارجى به صورت اختصاصى آنرا مطالعه ننموده است و يا اگر احیاناً مطالعه هم شده باشد به دست ما نرسيده است ، فلهاذا ما فعلاً يك عده قليل افراد و فاميل هاى عودت كننده به وطن را ، تاجاييكه ماخذ و مدارك محدود در اين ديار غربت اجازت ميداد جمع آورى و فهرست وار نام مى بريم و اميدواريم كه اين موضوع كه قسمتى از تاريخ معاصر کشور را تشكيل ميدهد ، طور اختصاصى توسط محققين افغانى تعقيب و تكميل گردد :

#### الف - عودت كنندگان و متواريان از هند برپتانوى :

(۱) خاندان سردار يحيى خان - امير محمد يعقوب خان بعد از امضاي معاهده گندمك ، توسط انگليس ها در سال ۱۸۷۹ م به هندوستان تبعيد شد . بعد از سردار يحيى خان پسر سردار سلطان محمد خان طلايى كه خسر محمد يعقوب خان مى شد نيز از كابل به دييره دن فرستاده شد . اين خاندان از ۱۸۷۹ تا ۱۹۰۱ م تبعيد و در آخرين سال سلطنت امير عبدالرحمان خان به اجازت او به افغانستان بازگشتند . بازگشت كنندگان مشتمل از پسران سردار يحيى خان : سردار يوسف خان و سردار آصف خان با فاميل ها و پسران متعددشان يعنى سردار محمد نادر خان ، سردار محمد عزيز خان ، سردار محمد هاشم خان ، سردار شاه محمود خان ، سردار شاه ولي خان ، سردار محمد سليمان خان و سردار احمد شاه خان بودند كه اين ها بعد از " در سياست آينده افغانستان نقش اساسى داشتند .

(۲) خوشدل خان لوى ناب - نامبرده از طرفداران سردار محمد ايوب خان و مخالف عبدالرحمان خان بود كه در سال ۱۹۰۴ م با فاميل خود داخل كابل شد .

(۳) مولوى غلام محى الدين افغان - خانواده موصوف از هواران سردار محمد ايوب خان بوده ، موصوف در كالج هاى هند برپتانوى تحصيل و در سال ۱۹۰۶ م با فاميل خود به وطن عودت نمود .

(۴) مولوى مظفر خان مروت - تحصيلات خود را در هند برپتانوى به پايه اكمال رسانيده و به كابل بازگشت نمود . مولوى موصوف در مكتب حبيبيه به حيث معلم ايفايى وظيفه مينمود .

۵) ما ما محمد ابراھیم خان مشهور به ساعت ساز - ساکن چنداول کابل که مرد خیر خواه نیک اندیش و افغان بی تعصب بود و به قول شاد روان حبیبی شخصیت نیک و جذاب محمد ابراھیم جوان در ایام فرار از وطن در خدمت امامی خود تولى مشر حسین علی خان سپه سالار در در کابینه امیر شیرعلی خان در لاهور و را ولپندی به حب هموطنان و میهن عزیزش سرشته و پرورده شده بود . (۳۸) در سال ۱۹۰۷ م به اجازة امیر حبیب الله خان به کابل بازگشت و رسم مشروطه خواهی را گرامی داشت .

۶) فتح محمد خان جبار خیل ارسال - پسر عصمت الله خان وزیر داخله امیر شیرعلی خان بود . او با برادرش حاجی امین الله خان و عبدالجبار خان جبار خیل در هند بریتانوی تحصیل و در عصر حبیب الله خان اجازة بازگشت به وطن را حاصل نمود . با دوستان هم فکر مانند میر سید قاسم خان ، عبدالهادی خان داوی و سردار عبدالحسین خان عزیز در امر مشروطه خواهی سهم فعال داشت .

۷) عبدالجبار خان جبار خیل - برادر کوچک فتح محمد خان است که تحصیلات خود را در هند بپایان رسانیده ، هنگام مراجعت ، فامیل او نیز به کابل بازگشت نمود .

۸) حکیم خان سنجرى - به همراهی برادر بزرگ خود قاضی محمود خان در اوایل سلطنت امانی در جمله سایر افغان های مهاجر از هند بریتانوی به وطن عودت نمود و وارد کابل شد ، از جمله فارغان یونیورسیتی پشاور ، فرد تحصیل کرده و منور بود .

۹) جنرال عبدالکریم خان جبار خیل .

۱۰) جنرال سردار عبدالرحیم خان .

۱۱) سردار محمد امان .

۱۲) سردار محمد خان .

۱۳) حبیب الله شنواری .

۱۴) عبدالباقی خان الکوزی هراتی .

۱۵) حبیب الله نواسه غلام محمد طرزی .

۱۶) امیرالدین خان پسر سر جنت .

۱۷) میر بچه کوهده امنی مجاهد معروف در تجاوز دوم انگلیس بر افغانستان .

۱۸) محمود خان و فامیلش که توسط امیر عبدالرحمان خان به کشمیر تبعید گردیده بود و در عهد سلطنت امیر حبیب الله خان دوباره به وطن عودت نمودند . (۳۹)

### ب - عودت کنندگان از ایران و دولت عثمانی :

۱۹) فامیل طرزی - سردار غلام محمد خان طرزی پسر رحمدل خان به اتهام هواداری از سردار محمد ایوب خان در سال ۱۸۸۱ م از طرف امیر عبدالرحمان خان به هند بریتانوی تبعید شد . مدت چهار سال با فامیلش در کراچی اقامت گزید ، بعداً به بغداد و از آنجا به شام رفتند . سردار غلام محمد خان طرزی در ۱۹۰۰ م در دمشق در عالم غربت و دوری از وطن به رحمت حق پیوست و در همان جا به خاک سپاریده شد . بعد از درگذشت امیر عبدالرحمان خان به اجازة امیر حبیب الله خان پسرش محمود طرزی در سال ۱۹۰۵ م به کابل بازگشت . طرزی در نشر افکار متمدنی ، تربیه روشن فکران و پیروزی مشروطیت دوم نقش قابل ملاحظه داشت .

۲۰) سردار عبدالحسین خان عزیز پسر سردار عبدالعزیز خان از خاندان سردار سلطان احمد خان سرکار حکمران هرات بود . مشا رالیه از دوستان نزدیک میر سید قاسم خان ، عبدالهادی خان داوی و سایر مشروطه خواهان اول و دوم بود . پدرش از جمله فراریان سیاسی در ایران بود ، عبدالحسین خان در تبعیدگاه یعنی تهران در ۱۲۶۶ هـ ش به دنیا آمده و در همان جا تحصیل کرد ، دوباره به وطن بازگشت و در جمله روشن فکران با درد و فعال جنبش مشروطیت قرار گرفت .

۲۱) سردار عبدالرحمان خان و سردار عبدالحبیب خان پسران عبدالوهاب خان امین المکاتب که در تبعیدگاه ایران می زیستند از جمله جوانان منور و ترقی خواه بودند . آنها بعد از بازگشت به وطن در امور مشروطیت سهم داشتند .

۲۲) جنرال فیض محمد خان با بکر خیل .

۲۳) فضل حق صاحب زاده هرات .

### ج - عودت کنندگان از ترکستان روسی :

۲۴) عبدالعزیز خان خسر سردار محمد اسحاق خان پسر امیر محمد اعظم خان .

۲۵) سردار محمد عظیم خان (۴۰) پسر سردار محمد اسماعیل خان نواسه محمد اسحاق خان .

ب - **عوامل خارجی :** ما در صد آن نیستیم تا از تاریخچه انقلاب های بورژوازی و یا سیر تاریخی مشروطیت در غرب با تفصیل صحبت نماییم ، اما از آنجا بیکه اکثر مفاهیم و اصطلاحات آیدیولوژیکی ، فلسفی و اجتماعی بورژوازی غرب به شرق انتقال نموده و تماس های استثنائی مما لک پیشرفته صنعتی غرب در امر گسترش آزادی دیموکراسی ، تمایلات استقلال طلبی ، انکشاف افکار ناسیونالیستی ، مبارزه علیه استبداد و مطلقیت بی تاثیر نبود ، فلذا برای درک

بهتر عوامل خارجی ظهور اندیشه های مشروطه طلبی در افغانستان لازم می افتد به صورت خیلی فشرده و گذرا پیرامون  
اوضاع اروپا بعد از قرون وسطی جمله ای چند ارائه نمایم :

اروپا که در سرتاسر قرون وسطی در عمق ظلمت و تاریکی می زیست ، بعد از انقلاب های بورژوازی در آن قاره  
بساط فیودالیزم و موانع از سراسر راه انکشاف روابط تولیدی سرمایه داری برداشته شد . نیروهای تولیدی به شدت رشد  
و روابط تولید سرمایه داری در بطن اقتصاد فیودالی انکشاف نمود . به قول پوهاند ها شمی « اگرچه نخستین نشانه  
های پیدایش سرمایه داری در قرون چهاردهم و پانزدهم در ایتالیا نمودار گردید ، ولی شکل محسوس آن از قرن شانزدهم  
در اروپا آغاز شد . » ( ۴۱ ) بالاخره همه این تحولات اقتصادی و اجتماعی در نیمه دوم قرن هجدهم و نیمه اول قرن نوزدهم منجر  
به انقلاب صنعتی در اروپا گردید .

در جریان انقلاب صنعتی کشف آلات و افزار پیشرفته ماشینین سطح تولید را به شدت بلند برد و بازار فروش برای  
عرضه کالا های تولید شده و حصول مواد خام اولیه تنها در داخل کشور بسنده نبود . بنابراین ممالک صنعتی اروپا در صد  
غارت ممالک پهناور آسیا و آفریقا برآمدند .

در قرن شانزدهم در اثر انکشاف علوم و فنون علمی مخصوص علم جغرافیا ، کشف راه های بحری میسر گردید و فعالیت های  
تجارتی و عرضه کالا های تولیدی در بازار های خارجی از طریق راه های خشک طولانی و خطرناک که قبلاً صورت  
میگرفت بر طرف شد و کشتی های بزرگ ترانسپورتی تجارتی و نظامی نه تنها بین ممالک بلکه بین قاره های مختلف جهان  
به کار انداخته شد . مجموعاً همه این پیشرفت های علمی ، فنی و تکنیکی زمینه غارت کشور های شرقی را مساعدتر  
ساخت . اگرچه در بدو امر ممالک پیشرفته صنعتی غرب ارتباطات خود را در برابر ممالک عقب مانده زراعتی صرف  
یک تماس تجارتی وانمود میکرد ، اما این روابط تجارتی بعد ها به اشغال مطلق سرزمین های قاره آسیا و آفریقا انجامید .  
با آنکه رابطه غرب با ممالک شرقی را بطه استعماری ، چپاولگرانه و نابرابر بود و غایب استعماری داشت ، اما  
این غارتگری ممالک امپریالیستی در امر متلاشی ساختن ( و یا حداقل تضعیف ) نظام فیودالی و ظهور روابط  
سرمایه داری ممالک تحت استعمار کمک نمود . چنانچه جنبش های مشروطه خواهی ممالک آسیایی و آفریقایی علیه  
استبداد و مطلقیت در مقیاس داخلی و مبارزه برضد استعمار و استثمار خارجی و از هم پاشی این سیستم در سطح  
بین المللی شاهد این ادعا است .

هیچ حادثه در جهان بر حسب تصادف یا آنی و بدون روابط درونی و بیرونی با ما قبل خود به وقوع نمی پیوندد . جنبش  
مشروطه خواهی افغانستان هم یک پدیده منفرد و جدا از سایر حوادث نبوده و اینک ما آنرا در حلقه سلسله حوادث و  
عوامل خارجی و حدود اثرات متقابل مورد ارزیابی قرار میدهیم :

**۱ ) انقلاب مشروطه در ایران :** سقوط دولت صفوی - اولین دودمان سلطنتی بعد از خلافت اسلامی در ایران  
توسط شاه محمود هوتکی ( ۱۷۲۲ م ) منجر به تشکیل دولت هوتکیان در آن کشور گردید . شاه اشرف هوتکی به دنبال  
مریضی شاه محمود زمام امور را خود به دست گرفت که وی نیز به نوبه خود توسط نادر افشار ( ۱۷۲۹ م ) از پا درآمد .  
نادر به تشکیل امپراتوری بزرگ خراسان پرداخت ، اما در سال ۱۷۴۷ م توسط افسران قزلباش و افشار در فتح آبد  
خوشان کشته شد که بعد از قتل او دیگر تا مدتی در ایران حکومت قوی مرکزی وجود نداشت . اگرچه کریم خان زند  
( ۱۷۴۸-۱۷۵۷ ) و لطف علی خان زند برای بیشتر از بیست سال زمام امور را در دست داشتند ، اما در مجموع مملکت به  
صوب نظام ملوک الطوائفی می لغزید . تا آنکه بالاخره مردی مقطوع النسل ( ۴۲ ) و قهاری به نام آقا محمد قاجار بر رقیبای  
فیودالی خود غالب شد و در ۱۷۷۹ پادشاهی تبار قاجاریه در ایران را استوار کرد ( ۴۳ ) که مدت یکینم قرن دوام  
نمود . به عقیده مؤرخین ایران عصر سلسله شاهان قاجاری ( ۱۷۷۹-۱۹۲۵ ) از زمره دردناترین ، تاریکترین و بد  
ترین دوره های سلطنتی تاریخ آن کشور است چه ، شاهان این سلسله در مدت بیشتر از یک و نیم قرن به جز از عیاشی و  
خوش گذرانی یک قدم در عرصه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی برنداشتند ، در اثر موجودیت فضای اختناق و استبداد  
دایمی اوضاع اجتماعی و سیاسی خیلی اسفناک بود که ابراهیم فخرایی نویسنده « گیلان در جنبش مشروطیت » وضع  
نا به سامان آن کشور را این طور تشریح می نماید : « اقیانوس ضعیف را می جزانیدند و زیر دستان را می آزاریدند و چون  
مرجع باز دارنده وجود نداشت ، لہذا قدرتمندان ، خود را مجاز می دیدند به اراده خودشان عمل کنند . بزندان ، بکشند  
، حبس و تبعید کنند ، سر ببرند ، شقه و یا شمع آجین کنند . نه تنها احدی را یارای ایراد و اعتراض نبود بلکه اجباری هم  
وجود داشت که قسمتی از عمر مردم در جهت تقدیس دعای و ثنای آنان تباه شود و فضایل و سجایای نیکوی داشته شان را  
گاه بگاه بازگو نمایند . »

با وجودیکه عصر شاهان قاجار دوره میمونی برای ملت ایران نبود ، ولی از نظر زمانی با حوادث عمده اروپا یعنی  
انقلاب های بورژوازی و علمی مخصوص اوج کشور کشایی ممالک صنعتی اروپا مطابقت میکند . بنابراین سبب کاروان های  
تجارتی و هیأت های فرهنگی به صوب ایران سرازیر میگردد و این تماس ها ایران را به بازار فروش پر منفعت امتعه ممالک  
صنعتی غربی و کشور تهیه کننده مواد خام تبدیل نمود .

در آغاز قرن نوزدهم در عهد سلطنت فتح علی شاه روابط اقتصادی و تجارتی ایران با ممالک صنعتی اروپای غربی به  
اوج خود رسید و مملکت عملاً " از نظر سیاسی به کشور های بزرگ شمالی و جنوبی وابستگی پیدا نمود . ضعف سیاسی ،  
بی تقاضی در برابر منافع ملی ، نداشتن هدف اساسی ، ولخرجی ، اسراف و سفرهای پر مصرف شاهان ، استقراض  
از ممالک خارجی کشور غنی و ثروتمند ایران را به سوی ناداری ، غربت و دردی سوق داد چنانچه آنها در برابر  
منافع ملی و دارایی عامه آنقدر بی تفاوت بودند که در جولای سال ۱۸۷۲ م دولت ایران در مقابل دریافت بیست هزار  
لیره استرلینگ حاضر شد که اداره گمرکات کشور راتا مدت بیست سال به بارون روپتر تبعه انگلستان واگذار کند و نیز  
متعهد گردید که در آینده امتیاز تشکیل بانک ها و ساختن راه ها و خطوط تلگراف و غیره را در نوبت اول به او بدهد .  
( ۴۴ ) از قرار داد های اسارت بار دیگر یکی هم قرار داد توتون و تنباکو است که در سال ۱۸۹۰ م امتیاز انحصار  
آن در سراسر ایران در مقابل پانزده هزار پوند استرلینگ برای مدت پنجاه سال به میجر ج . ف . تالیوت واگذار شد .

(۴۵)، این قرار داد عکس العمل وسیع را در بین توده ها برانگیخت و جنبش وسیع به تحریک سید جمال الدین افغانی به راه انداخته شد که در آن تعدادی از اقلیت و طبقات مختلف مردم شرکت نمودند. این مطلب قابل یادآوری است که انقلاب مشروطه ایران با مقایسه با کشورهای همجوار ویژگی های خود را داشت، مثلاً "شرکت وسیع زنان و نقش شایسته آنان در پروسه مشروطه ایران قابل تأمل است. آنها با مردان در جریان مبارزات اجتماعی و سیاسی قدم بقدیم پیش رفته و در مبارزه علیه حکومت ستم پیشه قاجاری به جای اینکه اشک بریزند سلاح برداشته در دفاع از حقوق خود شرکت کردند، در تاریخ ایران این نخستین موردی بود که زنان در نبرد ضد استبداد شرکت می جستند. (۴۶)

برای آشنایی بیشتر خواننده محترم به سهمگیری زنان ایران در امر مشروطه طلبی به تذکار بعضی از انجمن ها، تشکیلات و نشرات آنها که از همین منبع گرفته شده می پردازیم

- انجمن مخدرات وطن
- انجمن آزادی زنان
- شرکت خواتین اصفهان
- نسوان وطن خواه
- مجمع انقلاب زنان
- نشرات عمده زنان مشروطه خواه ایران:
- روزنامه دانش
- نامه بانوان
- مجله جهان زنان
- مجله عالم نسوان
- مجله پیک سعادت نسوان

در این جراید موضوعاتی از قبیل آزادی زنان، عدالت اجتماعی، ستمگری دولت و اوضاع نا به سامان مملکت و ده ها مطلب دیگر درج میگردد. از برانندگی های اساسی دیگر انقلاب مشروطه ایران یکی هم تنوع طبقات و کثرت اقلیت اجتماعی یعنی سهمگیری توده های وسیع مردم با خواست های متفاوت در این نهضت است، چنانچه ژانت آفاری ترکیب اجتماعی نیروهای محرکه مشروطه ایران را: روشن فکران لیبرال و رادیکال، عناصر جمعیت های مخفی، تاجر عمده و جز، روحانیون، کسبه کاران، محصلان، اصناف و دیگر اندیشان من جمله فراماسیون ها و آزاد اندیشان، برخی از دهقانان با حمایت پیشه وران، کارگران مهاجر و واعظان رادیکال و غیره نشان میدهد (۴۷) که این شرکت وسیع مردم در بدو امر نقش مثبت در پیروزی انقلاب داشت، اما در مراحل بعدی به ویژه بعد از تحقق مشروطیت این ائتلاف نامتجانس و آسیب پذیر در ایجاد اختلافات و رویارویی اصلاح طلبان مذهبی و غیرمذهبی و سایر اقلیت و طبقات کمک نموده و حتی بعضی مؤرخین آنرا یکی از عوامل ناکامی انقلاب می شمارند.

احمد کسروی نویسنده کتاب معتبر «تاریخ مشروطه ایران» نقش روحانیون را در ترکیب اجتماعی این جنبش برجسته تر نشان میدهد، چنانچه در مقدمه کتاب مذکور پاراگراف ذیل جلب توجه میکند: «کسروی بر این نظر است که پیشوایان روحانی طبایعی و بهیجایی با اطلاع از معنی و هدف مشروطیت به کوشش برخاستند و در نتیجه کوشش مردانه و بخردانه یک سال و نیم دو سید و همدستان ایشان مشروطه در ایران پیدا شد.»

رویهی رفته در جنبش مشروطه خواهی افغانستان هم از نقش بعضی از روحانیون و علمای مذهبی اغماض شده نمیتواند، چنانچه نقش دو روحانی بزرگ مشروطه خواه: میر سید قاسم خان لغمانی و مولوی محمد سرور و اصف الکوزی منحصراً پیشوایان مذهبی و بنیان گذاران نهضت مشروطه در افغانستان قابل فهم است.

طوریکه قبلاً اشاره رفت روابط فرهنگی، تجارتمندی و سیاسی با دول اروپایی سبب آشنایی مردم ایران با لیبرالیسم غرب، حکومت پارلمانی و قوانین اساسی گردید که آنها به نوبه خود در رشد افکار سیاسی و اجتماعی و سرانجام در امر مشروطه طلبی تا ثیرات عظیمی از خود بجا گذاشت. بنام ایران از مدت ها قبل یعنی در اواسط قرن نوزدهم مظاهر تمدن غرب و آثار فرهنگی اروپا به چشم میخورد و جراید داخلی از قبیل: روزنامه علمیه دولت علیه ایران، روزنامه فارس، روزنامه فرهنگ، روزنامه اطلاع و صور اسرافیل د هخدا (۴۸) و غیره در داخل کشور تحت نظر دولت نشر می شد که مطالب عمده سیاسی و اجتماعی کمتر در آنها به نظر میخورد، اما نشرات بیرون مرزی اعم از اختر، قانون، ضیاء الخافقین، حبل المتین، ثریا و حکمت در نشر افکار آزاد بخواهی و اصلاح طلبی بین مردم تا ثیر بسا عظیم داشت. (۴۹)

در جریان چنین اوضاع ملی و بین المللی یعنی انواع فشارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، انکشاف روز افزون جنبش های مردمی و سرانجام ترور ناصر الدین شاه قاجار توسط مرزدارضای کرمانی از پیروان سید جمال الدین افغانی، مظفر الدین شاه به جز تسلیم شدن به خواست های مردم چاره دیگری نمی دید، ناگزیر در آگست (۱۹۰۶م) مطابق برج اسد (۱۲۸۵ هـ) «فرمان مشروطیت» که تدوین قانون اساسی جدید و تأسیس پارلمان (مجلس) را احتوا میکرد از طرف شاه صادر شد. اما چون مجلس از یکطرف قدرت دولت را محدود و وزراء را نزد مجلس مسؤول میساخت و از جانب دیگر تشکیل یک دولت مشروطه به خیر و صلاح دول استثماری روس و انگلیس نبود، فلذا دو سال بعد یعنی در جون (۱۹۰۸م) مطابق (جوزا ۱۲۸۷ هـ) مجلس به امر محمد علی شاه قاجار توسط کلنل لیاخوف روسی رئیس بریگاد قزاق به توپ بسته شد. (۵۰)

امپراطوری انگلیس از رشد جنبش مشروطیت و ضعف دولت قاجاریه نه تنها مطلع بلکه مخوف بود. بنام در صدد تعویض آن برآمد، تا آنکه به اشاره جنرال ایرون ساید (مأمور انتلجنس سرویس انگلستان) و کودتای ۱۲۹۹ هـ و تصویب لایحه خلع قاجاریه توسط مجلس پنجم پس از یکصد و چهل و شش سال به سلطنت خاندان قاجاریه خاتمه داده شد و طبق نظر مجلس حکومت مؤقت برقرار و سردار سپه، رئیس حکومت مؤقت، رئیس الوزراء، وزیر جنگ، و فرمانده کل قوا

شد. (۵۱) فلها سلطنت آل قاجار که خود سردار سپه یعنی رضا خان پهلوی (۵۲) جزء ارکان بزرگ آن بود در ۹  
عقرب ۱۳۰۴ هـ مطابق ۱۹۲۵ م سقوط و اعحضرت رضا شاه پهلوی به سلطنت رسید .  
بعد از آن همه سر و صدا ها بیکه به راه انداخته شد مشروطیت در ایران با همه جا نفشانی و فداکاری و مبارزات  
صادقانه مردم با کشور ایران و داع کرد و قلمرو وسیع آن کشور با آنهمه غنا و ثروت عظیمش، هما نظوریکه قبلاً تحریر  
شد، سال ها در گرو قدرت های استعماری باقی ماند .  
بناءً حوادث و رویداد های بزرگ که در اوایل قرن بیستم بخاطر ایجاد حکومت عدل و قانون و برقراری تساوی حقوق  
ومها رشدن قدرت های مطلقه و عدم تجاوزه به آزادی های اندیشه، قلم و گفتار (۵۳) یعنی استقرار دولت مشروطه که  
در غرب کشور ما یعنی ایران رخ داد، نمیتوانست از طرق مختلف بالای رشد فکری و آزادی های دیموکراتیک و نهضت  
مشروطیت در کشور همجوار آن (افغانستان) تاثیر گذار نباشد .  
به اختصار کلام نهضت های مشروطه خواهی که در آستانه قرن بیستم در ایران و افغانستان در تحت شرایط و  
عوامل تقریباً مشابه ظهور نمود، در مقابل توطئه ها و دسایس مشابه قرار گرفتند که اولی با روی کار آوردن رضا خان  
پهلوی و دومی چهار سال بعد از آن، به قدرت رسانیدن محمد نادر خان (۵۴) مؤقتاً سرکوب گردیدند، خاطرات  
جاویدان و تاریخ پر افتخار مبارزات شان مشعل راه آزاداندیشان و آزادخوان خواهد بود .  
ادامه دارد

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

**Dr. Ajruddin Hashmat**  
**97 Forest Heights Str.**  
**Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada**  
**Tel (905) 665-8767**